خبر

مشکلات گروه‌های نمایشی در تماشاخانه سیمرغ

سه گروه نمایشی که مشغول اجرای نمایش‌هایشان در تماشاخانه سیمرغ بودند، ساعتی پیش از اجرا و در وضعیتی که تماشاگران برای دیدن آثارشان به سالن مراجعه کرده بودند، با ممانعت سالن برای اجرای کارهایشان روبه‌رو شدند. «داش آکل به روایت نوچه کاکا رستم» به کارگردانی حامد شیخی و «از مجهول به مجهول» به کارگردانی پارسا محمدزاده، روز جمعه برای اجرای نمایش‌هایشان به سالن رفته بودند که ناگهان به آنان اعلام شد به دلیل آتش‌سوزی در سالن نمی‌توانند نمایش‌های خود را روی صحنه ببرند.

امین اکبری‌نسب، بازیگر نمایش «داش آکل ...» در این باره می‌گوید: نمایش ما ساعت ۶ اجرا می‌شد و حدود ساعت ۳ چند نفر از بازیگران برای گریم و آماده شدن به سالن رفته بودند که متوجه شدند در سالن بسته است. نگهبان به آنان گفت شب گذشته سالن دچار آتش‌سوزی شده و نمی‌توانید اجرایتان را انجام بدهید. جالب است که هیچ نشانی از آتش‌سوزی نبود و همه منتظر بودیم تا یکی از مسئولان سالن توضیح دهد که ماجرا از چه قرار است اما در نهایت شگفتی، هیچ کسی توضیحی به ما نداد.

ایسنا برای انتشار پاسخ مسئولان تماشاخانه سیمرغ با آنان تماس گرفت ولی مدیر پیشین این سالن، پاسخگویی را به بعد از تعطیلات موکول کرد./ایسنا

قاسم‌خان، نویسنده و کارگردان:

ع فرهنگی شده‌ایم

تعزیه خوانی در تکیه دولت

قدیمی‌ترین پرده نقالی کشف شده در ایران

ایده‌آلی است. قاسم‌خان نگارش کتاب «تکیه دولت؛ از بودن و نبودن» را به‌عهده داشته که اواسط دهه ۹۰ منتشر شد. کتابی که دستمایه ساخت مستندی دیدنی با عنوان «تکیه دولت» نیز توسط او شد. تکیه دولت بنایی است که در عهد ناصرالدین‌شاه قاجار و به منظور اجرای مراسم تعزیه و برگزاری آیین‌های سوگواری و روضه‌خوانی در ایام عاشورا در طهران برپا شد. این تکیه نه تنها به لحاظ معماری و جنبه‌های تاریخی بلکه از لحاظ اجرای مراسم با شکوه تعزیه نیز دارای اهمیت خاصی بوده است و قاسم‌خان می‌گوید مطالب منتشر شده در کتابش را به پشتوانه دو سال و نیم تحقیق گردآوری کرده است.

کتاب و مستندی که گوناگونی مآخذ آن و منابع شنیدنی صوتی و تصاویر کمتر دیده‌شده و نفیسی چون موسیقی‌های قدیمی و عکس‌های دوره قاجار، مخاطب را شگفت‌زده می‌کند. این در حالی است که به‌تازگی نیز از قدیمی‌ترین پرده درویشی عاشورا به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین تابلوهای پرده‌خوانی در کاخ گلستان رونمایی شد. مجموعه‌ای که قاسم‌خان به‌عنوان دبیر علمی برنامه‌های ویژه ماه محرم با آن همکاری دارد. مجموع این موارد، ما را بر آن داشت تا در ایام محرم، طی گفت‌وگویی با قاسم‌خان از کم و کیف و جزئیات کتاب و مستندش و همچنین رونمایی مذکور جویا شویم.

و چه در حوزه کارهای دیگری که در دوره قاجار انجام داده‌ام. هدف از ساخت این مستند این بود که بخشی از تاریخ ایران را (تا آنجا که می‌توانم) و البته بخشی از هنر ایران را برای نسل جدیدتری که با فیلم و سینما قرابت بیشتری دارند، به شکلی دقیق‌تر و جزئی‌تر بازگو کنم. در زمانه کنونی اگر مثلا بخواهید درباره یک نقاشی صحبت کنید باید درباره چگونگی پیدایش آن، تاثیرات روان‌شناسانه، اسطوره شناسانه آن و... هم حرف بزنید. هدف من از ساخت مستند تکیه دولت هم این بود که این بنای تاریخی را از زوایای مختلف و بازبانی دراماتیک به نسل امروز بشناسانم. پژوهش و تحقیق درباره کتاب و ساخت فیلمی درباره تکیه دولت حدود ۱۰ سال طول کشید که زمان زیادی است اما اگر طی آن توانسته باشم خدمتی به جامعه فرهنگی ایران کنم، ارزش دارد.

حدود ۸۰ سال است تکیه دولت از بین رفته، اما کماکان در ذهن تهرانی‌های قدیم زنده است. نه تنها به لحاظ معماری و جنبه‌های تاریخی‌اش بلکه از جهت اجرای مراسم باشکوه تعزیه در آن که دارای اهمیت مذهبی خاصی است. علاوه بر این مواردی که ذکر کردم، آیا این تکیه از جهات دیگر نیز حائز اهمیت است؟

تکیه دولت بخش ارزشمندی از میراث فرهنگی ما ایرانی‌هاست. سه واقعه مهم تاریخی در این تکیه اتفاق افتاده. نخست این‌که مجلس مؤسسان در تکیه دولت تشکیل شده که طی آن سلسله قاجار به پهلوی تغییر کرده است. دیگر آن‌که اولین مجلس سربازگیری در تکیه دولت تشکیل شده. یعنی روش جدید سربازگیری یا «بنیچه» در این تکیه شکل گرفته و دیگر آن‌که در دوره ناصری سکه‌های واقعی را از تقلبی جدا می‌کردند که مجلس آن در تکیه دولت برگزار می‌شده است. بر اساس اطلاعات ما، تکیه دولت در سال ۱۳۲۵ خراب شد و من متولد ۱۳۴۲ هستم. یعنی سال‌ها بعد از خراب شدن تکیه دولت به دنیا آمده‌ام اما در جایی رشد کردم که در آن تعزیه خوانی بسیار رواج داشته است. در دانشگاه عکاسی و سپس نقاشی و بعد سینما خوانده‌ام. در دوره دانشجویی‌ام دکتر جابر عناصری برای من یک پروژه عکاسی از تعزیه را تعریف کرده و همین باعث شد تا چند روزی در تعزیه‌ای که در تکیه درویش دماوند برگزار می‌شد، کار کنم. بنابراین از کودکی و جوانی با تعزیه به‌عنوان یک نمایش ایرانی آشنا شدم. یادم است سال ۸۱ و ۸۲ بود که یک فیلم مستند کوتاه به نام «سفر آواز و ارغوان» در مورد تعزیه برای مرکز تحقیقات ملی فرانسه ساختم و آنها می‌خواستند فیلمی داشته باشند که بتوان در آن آیین نمایشی تعزیه را برای فرانسویان بیان کند.

مستند تکیه دولت در سطح داخلی و بین‌المللی با چه استقبالی مواجه شد؟

این مستند اولین بار در جشنواره حقیقت سال ۱۴۰۰ نمایش داده شد. البته دبیر جشنواره و دوستان دست‌اندرکار گفتند ما یک سئانس نمایش اضافه هم برای آن داشتیم. در همان جشنواره حقیقت کاندید سه جایزه پژوهش، جایزه بهترین گویندگی و جایزه بهترین موسیقی هم بود. موسیقی مستند کار مهدی محمودخانی ملهم از نغمه‌های تعزیه و از نغمه‌هایی بود که در دوره قاجار استفاده شده بود که محمودخانی با توجه به تسلطی که روی این موسیقی و موسیقی جدید دارد، توانست این فضاها را در فیلم به وجود بیاورد که بهترین جایزه موسیقی را هم از آن خود کند. مستند تکیه دولت حدود ۱۵ روز پیش در جشنواره شهر نامزد بهترین جایزه برای بهترین پژوهش بود و همچین جایزه بهترین فیلم در حوزه هویت نگاری تاریخ تهران را از آن خود کرد. معمولا دوستان جوان ما با حوزه‌های تاریخ خیلی آشنا نیستند. دلیل آن هم این است که تاریخ خیلی خوب برایشان توضیح داده نمی‌شود. بیشتر فیلم‌های اجتماعی و فیلم‌هایی که راجع به مسائل اجتماعی است، درباره مواد مخدر یا اگزوتیک ایرانی است ولی ما در این فیلم تاریخ را از زاویه‌ای تعریف کردیم که مخاطب از تماشای آن حظ بصری هم ببرد.

شما دبیر علمی برنامه‌های «محرم در گلستان» هستید و در نخستین برنامه‌های آیینی عاشورایی کاخ گلستان از قدیمی‌ترین پرده درویشی عاشورا مربوط به دوره قاجار در کاخ گلستان رونمایی شده است. در مورد اهمیت این پرده در تاریخ معاصر ایران توضیح می‌دهید؟

رفت و آمدهایی که به دلیل عکس و تصویر و پژوهش به کاخ گلستان داشتیم، مرا متوجه یکی از قدیمی‌ترین پرده‌های نقالی کرد که سال‌هاست در این کاخ نگهداری می‌شود. طی این تحقیقات دوستان متخصص پی بردند این پرده یکی از قدیمی‌ترین پرده‌ها متعلق به دوران فتحعلی شاه قاجار است.

در کجای کاخ، پرده نقالی را پیدا کردند؟

در صندوقی که حتی مرمت غلط در دوره پهلوی آسیب آن را بیشتر کرده بود. همکاران متخصص ما در بخش مرمت آثار در کاخ موزه گلستان حدود ۲ سال روی آن کار کردند تا پرده را احیا کنند.

روی این پرده نوشته‌ای هم وجود دارد؟

بالای پرده جایی بین چند عکس نوشته شده؛ «حاجت حسن چاوش ۱۲۳۰ هجری قمری». یعنی ظاهرا این پرده نذر شخصی به نام حسن چاوش بوده. تمام حوادث و وقایع، روی پرده‌ای بزرگ کشیده شده و از این نظر جزو پرده‌های سنگین و حجیمی است که فکر می‌کنم یک متر و نیم ارتفاع و ۵ متر هم طول دارد. در این پرده نوعی روایت و بازگویی تاریخ عاشورا و ایران را شاهد هستیم.

چه المان‌ها و ویژگی‌های بصری در این پرده است؟

البته کار بررسی این پرده هنوز در حال انجام است و تنها روز شنبه اول محرم توانستیم در کاخ گلستان آن را رونمایی کنیم. اکنون بازدید از این پرده برای عموم مردم آزاد است. بسیاری از جمله دانشجویان رشته نقاشی آمدند و از آن دیدن کردند. چرا که این پرده به خصوص در حوزه تجسمی و روایت شناسی قابل بررسی است. یعنی چگونه می‌شود بتوانیم قصه‌ای را تعریف کنیم که در یک مجموعه واحد روایت می‌شود و با دیگر قصه‌ها ارتباطی تنگاتنگ دارد. در داستان‌گویی و قصه‌گویی ایرانی، قصه اصلی داریم و مرتبا از آن شاخه‌ها و روایات فرعی می‌سازیم. در جلسه روز شنبه (۸ مردادماه ۱۴۰۰) اول محرم گزارشی از چگونگی مرمت و بازسازی این پرده ارائه شد که دو سال گذشته چگونه آن را ترمیم کردند. واقعا یک گزارش تحقیقی و شگفت‌انگیز بود که چنین پرده‌ای را از بدترین شکل باقی مانده از سال‌های دور به اثری زیبا و قابل تحسین امروزی دربیاورند. گاهی اوقات مرمت‌های غیراصولی ضربات جبران‌ناپذیری به اثر می‌زند. چراکه اگر مرمت اصولی نباشد بیشتر صدمه می‌زند و اثر از بین می‌برد. این پرده تاریخ و قدمت پرده‌خوانی و پرده‌های درویشی را ۸۰ سال عقب‌تر برده؛ چراکه تاکنون تصور می‌شد که پرده‌خوانی به این شکل با حسین قوللر آقاسی و هم دوره‌ای‌هاشان آغاز می‌شود اما با این پرده و تاریخ آن، تاریخ پرده‌خوانی تقریبا ۸۰ سال به عقب‌تر می‌رود. این پرده همچنان در کاخ گلستان و در موزه مردم‌شناسی برای بازدید مردم قرار داده شده است.

نقالی در سال ۱۳۹۰ به عنوان یک میراث معنوی فرهنگی ایرانی در یونسکو به ثبت جهانی رسید اما امروز متاسفانه با کم‌توجهی مسئولان مواجه شده است و مردم هم دیگر دغدغه چندانی برای حفظ و انتقال آن به نسل بعد را ندارند. چرا دیگر دغدغه‌ای برای استمرار نقالی و البته پرده‌خوانی وجود ندارد؟

اولین نکته‌ای که جا دارد درباره‌اش صحبت کنم این است که تاریخ و فرهنگ‌مان نجات‌بخش ماست. اگر ما از حوزه بحث در مورد هنر ایران به بحث درباره تاریخ هنر ایران با هر نگرشی وارد شویم باعث می‌شود بفهمیم کجا قرار داریم و نسبت یک ایرانی با جهان امروز چیست. آثار هنری و تاریخی رابطه بسیار دقیقی با هم دارند و اگر تاریخ را بشناسیم بسیاری از آثار هنری را می‌شناسیم و ردپایشان را پیدا می‌کنیم. با شناسایی هنر کهن و مقایسه آن با هنر مدرن به این نتیجه می‌رسیم که هنر ما دچار انقطاع نشده و از دوره‌های مختلف تاکنون شاهد یک استمرار فرهنگی بودیم اما بخصوص در دوران پس از مشروطه آرام آرام دچار یک انقطاع فرهنگی هنری شده‌ایم. یکی از بنیان‌های هنر ایران در همه ابعاد آن قصه‌گویی و نمایش است اگر بگذارند نقاشی قهوه‌خانه‌ای روند طبیعی خود را طی کند و جلوی آن را را نگیرند و نگویند امروز دیگر کسی حوصله اینها را ندارد مطمئن باشیم که نقالی و پرده‌خوانی با وجود جهان رسانه‌ای جدید به حرکت تکاملی خود ادامه خواهد داد. باید بگوییم نقاشی قهوه‌خانه‌ای داستانی دارد و جهانی را می‌سازد که هر فردی می‌تواند در آن جهان خود را پیدا کند.

اگر ما از حوزه بحث در مورد هنر ایران به بحث درباره تاریخ هنر ایران با هر نگرشی وارد شویم باعث می‌شود بفهمیم کجا قرار داریم و نسبت یک ایرانی با جهان امروز چیست

سکانس ماندگار

مردان میدان

علی رستگار
گروه فرهنگ و هنر

سینمای ایران در تولید فیلم‌های استراتژیک منفعل است و به دلایل مختلف همچون ضعف مدیریت و نبود سیاست کلان فرهنگی و بی‌میلی برخی فیلمسازان صاحب‌نام که دغدغه چندانی برای تولید آثار ایدئولوژیک و میهن‌پرستانه ندارند، تا اینجا نتوانسته در این زمینه عملکرد درستی داشته باشد و همپای دیپلماسی میدان، کمک حال ارتقای وضعیت ایران در منطقه باشد. تعداد فیلم‌های سینمایی و داستانی که درباره حضور مستشاری ایران در منطقه و در دفاع از حرم و حریم وطن ساخته شده، به زحمت از انگشتان یک دست عبور می‌کند و تازه از این میان هم، شاید تنها یکی دو اثر حق مطلب را تا حدودی در خصوص رشادت‌ها و جانفشانی‌های فرزندان ایران در مقابله با داعش ادا کرده باشند. فیلم‌های «جشن تولد» به کارگردانی عباس لاجوردی، «هنگامه» به کارگردانی امیر داسارگر و «آوازهای سرزمین من» به کارگردانی عباس رافعی، با وجود تلاش‌هایی در این زمینه و قصه‌هایی درباره مدافعان حرم و مبارزه علیه داعش و گروه‌های تکفیری، با نقطه مطلوب فاصله دارند و چندان نشانی از فیلمی موفق ندارند. اپیزود چهارم فیلم «هیهات» هم که به موضوع مدافعان حرم در عراق می‌پردازد و آن را با مفاهیم عاشورایی پیوند می‌زند، اگرچه روایتی قابل تامل و قدمی مثبت در این حوزه است اما همچنان سایه انفعال درباره موضوع مدافعان حرم در سینمای ایران سنگینی می‌کند و با این یکی دو گل امثال این بهار نمی‌شود. تا اینجا، مهم‌ترین و مشهورترین اثر داستانی در این زمینه، فیلم «به وقت شام» به کارگردانی ابراهیم حاتمی‌کیاست.

با وجود این تلاش‌های اندک و چه بسا دغدغه‌هایی که به دلیل موانع و مشکلات موجود، تاکنون منجر به خروجی و تولید آثار خوب دیگری نشده، پرچم سینمای مستند تا حدود زیادی درباره مدافعان حرم و موضوع مقاومت در منطقه بالاست و فیلم‌های متعدد و موفق و تاثیرگذاری با این موضوعات و مضامین تولید شده و به‌ویژه در بخش جایزه شهید آوینی جشنواره سینماحقیقت در این چند سال اخیر، حضور تحسین برانگیزی داشتند. یکی از مهم‌ترین و جذاب‌ترین فیلم‌ها در این زمینه، مستند «گلوله‌باران» به کارگردانی مرتضی پایه‌شناس و حسین مومن و تهیه‌کنندگی مرتضی شعبانی است. روایت مهیج و ملتهب فیلم که همراهی دو فیلمبردار(و کارگردان) را با گروهی از مدافعان حرم در مقابله با داعش به تصویر می‌کشد، مخاطب را تا پایان اثر با خود همراه می‌کند. وقتی یکی از فیلمبرداران هنگام ثبت تصاویر، با گلوله داعش زخمی می‌شود و روی زمین می‌افتد و قاب دوربینش کج می‌شود به گرفتن تصویر ادامه می‌دهد، ضمن یک ضرب شست جدی به اغراق‌های هالیوودی در فیلم‌های جنگی، به‌عنوان نمونه‌ای درخشان از دیپلماسی میدان جبهه فرهنگی انقلاب هم قابل اشاره و افتخار است.

برای دیدن تیزر مستند گلوله‌باران، کیوآرکد را اسکن کنید

رویداد

تور «رهسپار خیمه‌ها» در ۱۰ استان

نمایش «رهسپار خیمه‌ها» به نویسندگی و کارگردانی مصطفی بوعذار، نویسنده و کارگردان تئاتر که اجراهای خود را در قالب تور نمایشی از استان خوزستان آغاز کرده است تا پایان دهه دوم محرم در ۱۰ استان کشور میزبان مخاطبان خواهد بود.

همزمان با آغاز دهه اول محرم و عزاداری سیدوسالار شهیدان امام حسین(ع) اجراهای گسترده نمایش خیابانی رهسپار خیمه‌ها به نویسندگی و کارگردانی مصطفی بوعذار، نویسنده و کارگردان تئاتر با موضوع زائران اربعین حسینی و معرفی شهدای مدافع حرم در قالب تور نمایشی از استان خوزستان آغاز شده است.

خوزستان، همدان، لرستان، قم، مرکزی، البرز، تهران، خراسان رضوی، مازندران و گلستان از جمله استان‌هایی هستند که در طول اجرای این نمایش میزبان آن خواهند بود./ روابط عمومی اداره کل هنرهای نمایشی

تجلیل

هشتگ پیشنهادی حسن روح‌الامین

حسن روح‌الامین پیشنهاد داد برای زنده نگه داشتن یاد و نام مرحوم حبیبا... صادقی، آثار عاشورایی و انقلابی با یک هشتگ ویژه در فضای مجازی منتشر شود.

روح‌الامین که از عید غدیر خم و رونمایی از تازه‌ترین نقاشی خود دیگر در توییتر حضور نداشت، روز پنجشنبه به فاصله یک ساعت دو توییت در حساب کاربری‌اش منتشر کرد؛ یکی با چهار تصویر از دیوارنگاره محرمی «مرا دریاب ارباب» در میدان ولی عصر(عج) تهران و دیگر در پاسداشت یاد و نام زنده‌یاد مرحوم حبیبا... صادقی، نقاش و هنرمند انقلاب و دفاع مقدس.

روح‌الامین در توییت خود چنین نوشت:

«نمی‌افتد بر زمین علم

#نمی‌افتد-بر-زمین-قلم

به یاد بود استاد عزیزمان استاد حبیبا... صادقی رحمتا... علیه پیشنهاد می‌کنم من بعد آثار با موضوع اهل بیت علیهم‌السلام و انقلاب اسلامی و دفاع مقدس را با هشتگ #نمی‌افتد-بر-زمین-قلم در فضای مجازی منتشر کنیم.»/ جام جم

روزنما

خبرنگاران قهرمان

اگرچه نخستین حضور هادی اسلامی در «سرب» محصول سال ۱۳۶۷ تیپیکال است و آن کلاه و بارانی و سیگار و کیف، چندان به واقعیت روزنامه‌نگاری شبیه نیست؛ اما در جهان خود فیلم و دهه ۱۳۳۰ و البته ساحت سینمای مسعودکیمیایی، درست و برازنده است. نوری، با بازی درخشان اسلامی و صداپیشگی منوچهر اسماعیلی و شخصیت‌پردازی خوب کیمیایی به یکی از مهم‌ترین شخصیت‌های خبرنگاری و روزنامه‌نگاری در تاریخ سینمای ایران بدل می‌شود. عنوان فیلم یعنی «سرب» هم ایهام جذابی دارد؛ حروف سربی چاپخانه برای انتشار روزنامه و سرب گلوله. مروری بر این نقش با یادآوری این‌که دیروز، روز خبرنگار بود، قاب امروز ما را شکل داد.